



مطبوعات المجمع العلمي العراقي

# تاريخ الموصل

Divan  
Tevdi

سعيد الديوبندي

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi	
Kayıt No:	8308
Tasnif No.:	356.9 Div.T

١٤٠٢ هـ - ١٩٨٢ م

كان عز الدين قد عهد بالملك لابنه نور الدين ارسلان شاه وعمره عشرون سنة . وعارضه في هذا شرف الدين بن قطب الدين مودود . بأنه أحق بالملك من ابن اخيه . وعاضدته والدته في الامر . وهدد شرف الدين بالاستعانة بالملك العادل بن ايوب . فلم يعبأ بهذا عز الدين . واوعز الى مجاهد الدين قيمان . ومجد الدين بن الاثير ان يحلفا الناس لولده نور الدين .

كان مجاهد الدين يحب السلم . ويخشى انقسام الاتابكة وما تؤديه الخروب من نتائج سيئة على البلاد . ولكن مجد الدين كان أكثر ثباتاً وتبصراً منه . واعلمه ان التباطؤ في الامر يزيد في الخرق . ويوسع الانقسام . واكد على قيمان ان يسرع في تحليف الجند وأولي الامر له - خاصة وان والده عز الدين يلح في الامر وهو مشرف على الموت (١) .

جمع مجاهد الدين الجند . واهل الرأي ومشائخ المحال وعرفاء الاسواق . وحلفوا له . ثم اركب نور الدين من الغد في موكب والده وحمل السنجق (x) على رأسه . ومشى في ركابه راجلاً قد حمل الغاشية (x) . فاطمأن الناس له وانصرف انصار شرف الدين عنه . وبعد يومين توفي عز الدين . فتم الامر لابنه نور الدين . وكان هذا التدبير من مجد الدين ابي السعادات بن الاثير . مما زاد في مكائته عند نور الدين . فاتخذ وزيراً يعول عليه ويستشيره في الامر فيما يعرض له . ولما اعد مجد الدين في داره وعجز عن الحركة . صار نور الدين يزوره ويرجع الى قوله ورأيه . فكان رجل دولته الى ان توفي (٢) .

(١) الباهر . ١٨٩ - ١٩١ .

(٢) الكامل . ١٢ . ٥٥ - ٥٦ . تراجم الرجال . ١٣ .

(x) العلم . (x) الغاشية . السرج او الغطاء المزركش الذي يوضع على ظهر الفرس فوق البرذعة . وكان سلاطين السلاجقة والايوبيين يخرجون في المواكب وبين ايديهم الغاشية ( انظر عنها السلوك . ١٠١ . ١١٤ صبح الاعشى . ٤ : ٧ ) .

14 SUBAT 1991

آل زنگی

آل رُقَیل، نک: ابن مسلمه.  
آل زُراره، نک: آل اعین.

آل زنگی، سلسله‌ای ترک نژاد از غلامان سلاجقه، منسوب به عمادالدین زنگی که از ۵۲۱ تا ۶۲۴ ق/ ۱۱۲۷ تا ۱۲۲۷ م بر شام، مصر و جزیره فرمان راند.

زمینه تاریخی: نیای این سلسله، آق سنقر بن عبدالله معروف به حاجب، غلام دربار آلبارسلان سلجوقی (حک ۴۵۵ - ۴۶۵ ق/ ۱۰۶۳ - ۱۰۷۳ م) بود. با آغاز فرمانروایی ملکشاه (۴۶۵ ق/ ۱۰۷۳ م)، آق سنقر که از کودکی با او رشد کرده و تربیت یافته بود، از نزدیکان خاص سلطان شد و تقسیم‌الدوله لقب گرفت. در ۴۷۷ ق/ ۱۰۸۴ م به فرمان ملکشاه به موصل تاخت و آن دیار را از دست عُقَلیان به‌در آورد. به روایت ابن اثیر، ملکشاه در ۴۷۹ ق/ ۱۰۸۶ م به شام لشکر کشید و پس از استیلا بر حلب، امارت آن دیار را به آق سنقر وا گذاشت. اما این خلکان (۲۴۱/۱) این فتح را به تاج‌الدوله تُشش بن البارسلان نسبت می‌دهد و اشاره می‌کند که او در ۴۷۸ ق/ ۱۰۸۵ م، امارت آنجا را به آق سنقر داد. در این سال که میان بُرکیارق سلجوقی و تاج‌الدوله تُشش بر سر جانشینی ملکشاه کشمکش بود، آق سنقر به برکیارق پیوست و به فرمان او روانه شام شد تا از چیرگی تُشش بر حلب جلو گیرد. در نبردی که میان آن دو در نزدیکی حلب رخ داد، آق سنقر کشته شد. ابن خلکان بن نبرد را به دنبال نافرمانی آق سنقر از تُشش در حکومت حلب می‌داند.

بخش اول - پایه‌گذاری دولت آل زنگی

پس از مرگ آق سنقر، سلطان برکیارق به پاس خدمات وی، برورنی بسر ۱۰ ساله او ابوالجود عمادالدین زنگی را که در حلب نامت داشت، برعهده گرفت و اقطاعی به او داد. عمادالدین در دستگاه برکیارق شجاعت و لیاقتی نشان داد و در همه بیکارهایی که وی در شام و جزیره با صلیبیان داشت، شرکت جست. وی در ۵۱۲ ق/ ۱۱۱۸ م از سوی سلطان محمود سلجوقی به امارت بصره منصوب شد و اندکی بعد واسط نیز به قلمرو او پیوست. در همین سال سلطان محمود، سپاه خلیفه مسترشد را بشکست و وارد بغداد شد و چندی بعد شده نین را به شجنگی بغداد برگماشت. پس از مرگ عزالدین سعود بن آق سنقر بُرستی (۵۲۱ ق/ ۱۱۲۷ م) که امارت موصل داشت، عمادالدین به حکومت آن دیار برگزیده شد و سلطان تربیت دو پسر خود انبارسلان و فروخ‌شاه را به او سپرد. از همین جاست که وی لقب نیک یافت و جانشینان او اتابکان خوانده شدند. عمادالدین پس از سنقر در موصل، به حلب تاخت و آنجا را تصرف کرد (۵۲۲ ق/ ۱۱۲۸ م). پس از آن با زوسلین صلیبی حاکم رها که از پیش با او بیکارها داشت، بیمان متارکه‌ای برای مدت ۲ سال بست تا به قلمرو خود سامان دهد. در ۵۲۳ ق/ ۱۱۲۹ م آهنگ شام کرد و از اتابک حلب نموک بوری امیر دمشق برای نبرد با صلیبیان یاری خواست.

تاج‌الملوک، پسر خود بهاء‌الدین سونج را که در حماة بود، با سپاهی نزد عمادالدین فرستاد. عمادالدین که در باطن آهنگ تصرف دمشق را داشت، اندکی بعد به حمله بر اردوی بهاء‌الدین تاخت و او را دستگیر کرد. آنگاه بر حماة که از سپاه خالی بود، چیره شد و با بهاء‌الدین راه موصل در پیش گرفت و در ازای آزادی وی ۵۰۰۰۰۰ دینار درخواست کرد. در ۵۲۶ ق/ ۱۱۳۲ م به طرفداری از سلطان مسعود سلجوقی که داعیه جانشینی سلطان محمود را داشت، به بغداد حمله برد، اما از لشکر خلیفه مسترشد و سلجوق شاه شکست خورد. در همین سال به فرمان سنجر سلجوقی و با یاری دینس بن صدقه به بغداد تاخت و باز ناکام به موصل گریخت. در ۵۲۷ ق/ ۱۱۳۳ م ابوالفتح بهاء‌الدین اسفراینی، فرستاده خلیفه را که با نامه‌ای شدیدالحن از سوی خلیفه به نزد او آمده بود، در بند کرد. خلیفه به موصل هجوم برد و عمادالدین شهر را به نایب خویش سپرد و خود به سنجر رفت، اما پس از ۲۰ روز محاصره بی‌حاصل موصل، ناگزیر به بغداد بازگشت. عمادالدین در ۵۲۹ ق/ ۱۱۳۵ م، به دعوت اسماعیل بوری برای تصرف دمشق عازب آن دیار گشت، ولی در این میان اسماعیل کشته شد و جانشین او شهاب‌الدین مانع از ورود عمادالدین به دمشق شد. وی پس از محاصره‌ای کوتاه به خواهش خلیفه به موصل بازگشت و در راه برخیزد از دزهای شرق انطاکیه را که در دست فرنگان بود (مانند کفرطاب و معرة النعمان) تصرف کرد. عمادالدین در آن سالها که با سلجوقیان و خلیفه عباسی در بغداد و موصل درگیری داشت، سوار (اسوار) و سوری سوی خود به حکومت حلب گماشته بود. سوار با صلیبیان در شام بیکار می‌کرد و چندبار در قلمرو آنها پیش رفت. در این ایام صلیبیان بیزانسیها متحد شدند و تحت فرمان ژان امپراتور بیزانس از انطاکیه به شام حمله بردند و بلاط را تصرف کردند. عمادالدین بلافاصله سوار را به بادگان حلب فرستاد تا از سقوط شهر جلوگیری کند و خود آهنگ شیزر کرد، زیرا امپراتور پس از نوبدی از فتح حلب، انارب و معرة النعمان و کفر طاب را تصرف کرده و شیزر را به محاصره گرفته بود. در این میان عمادالدین با استمداد از بغداد، ارتقپها و دانشمندیان و سلجوقیان آناتولی را به هجوم بر کلیکیه در قلمرو امپراتور واداشت. این رویدادها (افزون بر اختلافهایی که از پیش میان فرنگان و بیزانسیها بود و زنگی توسط عثمانس بر آن دامن می‌زد)، باعث رنج محاصره و بازگشت امپراتور شد. زنگی در رمضان ۵۳۱ ق/ ۱۱۳۷ م کفر طاب و سپس معرة النعمان و بُزاعه و انارب را بازپس گرفت. سپس حنص را که معین‌الدین اُتر از طرف اتابک دمشق بر آنجا امارت داشت، محاصره کرد. اندکی بعد صلیبیان به سرکردگی ریچموند کنت طرابلس، به قصد حمله بر او در دژ بُقرین گرد آمدند و از فولک فرمانروای بیت المقدس یاری خواستند. فولک به یاری ژیموند آمد. عمادالدین آنها را در محاصره گرفت و به آنان حمله برد و سپاهشان را درهم شکست. کنت طرابلس اسیر شد و فولک به درون دژ پناه برد و از امرای صلیبی یاری خواست، اما چون کار محاصره به درازا کشید،

- Zengiler
- Zengi İmadüddin
- Seyfeddin Gazi II
- Seyfeddin Gazi II

- Nureddin Zengi Anslapsah
- Nureddin Zengi el-Melikül-Adil
- Sancer

'l-djawāb, grammatical analysis with exercises. 1365/1946. 7. *al-Muṭāla'a al-ʿarabiyya al-ʿasriyya*, 1366/1947. 8. *al-Risāla al-sarfiyya bi 'l-shakl al-tāmm*, n.d. 9. *Ta'riḫ madīnat Kusanfina li 'l-Hādīdī Ahmad Ibn al-Mubārak*, 1952. 10. *ʿArīb b. Sa'īd al-Kātib al-Kuṭubī, Le livre de la génération du foetus et le traitement des femmes enceintes et des nouveaux-nés, tr. et annoté par H. Jahier et A. Noureddine*, 1956. 11. *Avicenne, Poème de la Médecine, texte arabe publié, traduit et annoté, accompagné d'une traduction latine du XIIIe siècle, par H.J. et A.N.*, Paris 1956. 12. *Ibn Abī Uṣaybi'a, K. 'Uyūn al-anbā' bi-tabaqāt al-aṭibbā'* (chap. XIII: *médecins de l'Occident musulman*), publié, traduit et annoté par H.J. et A.N., 1377/1958. 13. *Ibid.*, chap. IV, V, et VI: *Hippocrate et les hippocratiques, Galien et ses successeurs, les médecins alexandrins*, publié, traduit et annoté par H.J. et A.N., 1958. 14. *K. Irāb al-djūmal*, 1377/1958. 15. *Ibn 'Abd al-Djabbār al-Faḍḍī, Rawḍat al-sulwān (Le Jardin de Consolation)*, publié, traduit et annoté par H.J. et A.N., 1378/1959. 16. *Anthologie de textes poétiques attribués à Avicenne, publié avec traduction française et notes par H.J. et A.N.*, 1960. 17. *al-Inshā' al-ʿarabī*, 1960. 18. *Asās al-ʿarabiyya li-ta'lim al-hurūf al-hiḍḍiyya*, 1960. 19. *al-Muntakhab min ash'ar al-ʿArab*, 1961. 20. *K. al-Wasīla li-ʿilm al-ʿarabiyya*, n.d. 21. *Pages de la médecine arabe, avec préface et commentaire; gérontologie arabe au Moyen Âge*, n.d. 22. *Ṣafahāt fi ta'riḫ madīnat al-Djazā'ir*, Constantine 1385/1965. 23. *Mukhtaṣar fi 'l-ʿibādāt*, trad. française, n.d. 24. *Dictionnaire français-arabe de Ben Sedira, revu et augmenté par N.A.*, n.d.

## B. Articles

1. *Un épisode de l'histoire de l'ancien Alger*, in *Mélanges E.F. Gautier*, 1937. 2. *Un philanthrope maure du XIXe siècle, El Hadj Abderrahmane El-Kinai. Essai d'une biographie critique et commentaire*, in *Feuilles d'El-Djezir*, no. 2 (Algiers, Sept. 1942), 57-63. 3. *Rapprochement littéraire*, in *BEA*, no. 21 (Algiers, Jan.-Feb. 1945), 7-8. 4. *Ibn Khallikān, notice biographique sur Avicenne extraite des Waṣayāt al-a'yān, texte arabe présenté et traduit par N.A. et H. Pérès*, in *ibid.*, no. 52 (March-April 1951), 36-43. 5. *Nubḍha min ṣafahāt fi ta'riḫ madīnat al-Djazā'ir...*, in *Madjalla Kulliyat al-Adāb*, no. 1 (Algiers 1964), 3-32.

*Bibliography*: H. Pérès, *Critique de manuels d'arabe classique. I. Manuel de Noureddine*, in *BEA*, no. 39 (Sept.-Oct. 1948), 171-7; A. Merad, *Compte-rendu de la publication du poème Rawḍat al-sulwān*, in *RAfr.*, ciii/3-4 (1959), 409-10.

(R. BENCHENEB)

**NÜR AL-DĪN ARSLĀN SHĀH ABU 'L-HĀRITH B. MAS'ŪD B. MAWDŪD B. ZANGĪ**, called al-Malik al-ʿĀdil, sixth ruler in Mawṣil of the Zangid line of Atabegs, reigned 589-607/1193-1211.

On the death of his father 'Izz al-Dīn Mas'ūd [q.v.], Nūr al-Dīn succeeded him, but for many years was under the tutelage of the commander of the citadel of Mawṣil, the eunuch Muḍjāhid al-Dīn Ḳaymaz al-Zaynī, till the latter's death in 595/1198-9. Nūr al-Dīn's early external policy aimed at securing control of Niṣībīn [q.v.] from his kinsman, the Zangī lord of Sindhjār 'Imād al-Dīn Zangī and the latter's son Ḳuṭb al-Dīn Muḥammad (594/1109), but was frustrated by the intervention in Diyār Bakr, leading to a siege of Mārdīn [q.v.], by the Ayyūbids al-Malik al-ʿĀdil and al-Malik al-Kāmil [q.v.]. Nūr al-Dīn was victorious there in 595/1199 and drove al-Malik al-Kāmil back to Damascus, but had himself to return to Mawṣil through illness. Ḳuṭb al-Dīn Muḥammad retained his formal allegiance to al-Malik al-ʿĀdil (600/1203-4), and Nūr al-Dīn's capture of and attempt to hold Tell A'far failed in the next year.

The pattern of alliances then changed, with a marriage union between Nūr al-Dīn's daughter and al-

Malik al-ʿĀdil's son, when the Zangids of Mawṣil and the Ayyūbids for a while united Ḳuṭb al-Dīn, but this alignment changed with the intervention of the lord of Irbil, Muẓaffar al-Dīn Gökbūri, and the formation of an alliance against al-Malik al-ʿĀdil which now included the Salḍjūk sultan of Rūm Kay Ḳhusraw I [q.v.]. Nevertheless, in the end Ḳuṭb al-Dīn retained possession of Sindhjār until 616/1219, but Nūr al-Dīn himself died in Raḍjāb 607/January 1211, to be succeeded in Mawṣil by his son 'Izz al-Dīn Mas'ūd al-Malik al-Ḳāhir.

Nūr al-Dīn left behind a reputation in Mawṣil as a benefactor to the town, building *inter alia* a *madrasa* there for the Shāfi'īs when he himself passed from the Ḥanafī *madhhab* to that of the Shāfi'īs.

*Bibliography*: 1. Sources. Ibn al-Aṭhīr, *Kāmil*, xii; idem, *Atabegs*, in *RHC, Historiens orientaux*, i, 71, 74, 82, 86, ii/2, 5, 346-62; Ibn Khallikān, ed. 'Abbās, i, 193-4, tr. de Slane, i, 174-5. 2. Studies. H.M. Gottschalk, *al-Malik al-Kāmil von Ägypten und seine Zeit*, Wiesbaden 1958, 41-3; R.S. Humphreys, *From Saladin to the Mongols, the Ayyūbids of Damascus 1193-1260*, Albany 1977, 91, 114, 120, 128-21. See also Zambauer, *Manuel*, 226; *EP* art. s.v. (K.V. Zetterstéen), of which the above article is a résumé.

(C.E. BOSWORTH)

**NÜR AL-DĪN MAḤMŪD B. ZANKĪ**, Zankid or Zangid sultan and successor to Zankī (d. 565/1174), who was murdered during the siege of Ḳal'at Dja'bar [q.v.] in Rabī' I 541/September 1146. The succession posed a series of problems since there were four heirs:

Sayf al-Dīn Ghāzī, the eldest, represented his father at Mawṣil [q.v.], the second son, Nūr al-Dīn Maḥmūd, had accompanied his father in the majority of his military operations, the third, Nuṣrat al-Dīn Amīr-Amīrān, was to be governor of Ḥarrān [q.v.], the fourth son, Ḳuṭb al-Dīn Mawḍūd [q.v.] was to succeed his eldest brother at Mawṣil. There was also a daughter who was to marry the *amīr* Nāṣir al-Dīn al-Šūrī.

After the death of his father, Nūr al-Dīn made his way to Aleppo [see HALAB], following the advice of Shīrkūh, a Kurdish *amīr* and friend of the former sultan. Sawār, the governor of the town, recognised Zankid sovereignty. Hamāt [q.v.], of which the titular *amīr* was Ṣalāh al-Dīn al-Yāghisiyānī, also rallied to his cause. At Mawṣil, the situation was more complicated, but the pro-Zankid *amīrs* succeeded in bringing Sayf al-Dīn Ghāzī from Kurdistān and obtained from the sultan his appointment as ruler of Mawṣil.

Raymond of Poitiers, prince of Antioch, did not hear the news of the assassination of Zankī until seven days after the establishment of Nūr al-Dīn at Aleppo. He dispatched two forces, one against Aleppo and the other against Hamāt, whereupon the Muslims compelled their opponents to withdraw to Antioch [see AN-ṬĀKIYA]. Edessa, eastern bastion of Frankish expansion for the previous half-century (1098-1144 [see AL-RUHĀ]), came again under Muslim control, but Armenian elements who constituted the majority of the population there succeeded in neutralising the effectiveness of the local Muslim garrison and called upon the aid of Joscelin, who was the son of an Armenian mother. After six days of forced marches from Aleppo, Nūr al-Dīn was the first to arrive with siege machinery. The vigour of his operations induced the Armenians to evacuate the town. Joscelin found refuge at Sumaysāt on the right bank of the Euphrates. Edessa was then incorporated into the domain of Nūr al-Dīn. Relations between the latter and Sayf al-Dīn Ghāzī became strained until, on the occasion of his brother's investiture, Nūr al-Dīn addressed

25 Mayıs 2014

ARTICLES

~~Nur al-Din~~

14035 2677 AULD, Sylvia. The minbar of Nur al-Din in context.  
Mescid-i Ayyubid Jerusalem: the holy city in context 1187-1250.  
Ed. Robert Hillenbrand and Sylvia Auld. London:  
131064 Altajir Trust, 2009, pp.72-93.

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

# دار السنّة دار الحديث النورية

بدمشق

تاريخها وتراجم شيوخها

تأليف

محمد أبو فرج الخطيب الحسني

مُدَرِّسُ دِمَشْقَ بِالْأَفْنَاءِ الْعَامِ شَيْخُ دَارِ الْحَدِيثِ النَّوْرِيَّةِ - حَظِيْبُ جَامِعِ بَيْتِ أُمِّيَّةِ

المتوفى ١٤٠٧هـ

رَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	89524
Tas. No:	377.8 HJ.S.D

اعتنى به إتماماً وصياغة

محمد مجير الخطيب الحسني

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

العنوان : دار السنّة

دار الحديث النورية بدمشق

تأليف : محمد أبو الفرج الخطيب الحسني

اعتنى به : محمد مجير الخطيب الحسني

عدد الصفحات : ٣٦٨ صفحة

قياس الصفحة : ١٧ × ٢٤ سم

عدد النسخ : ١٠٠٠ نسخة

التنضيد والإخراج : زياد السروجي

التحضير الطباعي : زكوة غراف النبلاء

الطباعة : دار الشام للطباعة

حقوق الطبع محفوظة

يمنع طبع هذا الكتاب أو جزء منه بكل طرق الطبع والتصوير والنقل والترجمة والتسجيل المرئي والمسموع والحاسوبي وغيرها من الحقوق إلا بإذن خطي من:



دار البشائر

للطباعة والنشر والتوزيع

دمشق - شارع ٢٩ أيار - جادة كرجية حداد

هاتف : ٢٣١٦٦٦٩ - ٢٣١٦٦٦٨

ص. ب ٤٩٢٦ سورية - فاكس ٢٣١٦١٩٦

الطبعة الأولى

١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م